

اصول حاکم بر اخذ هزینه دادرسی مدنی در حقوق ایران

حمید ابهری

دکترای حقوق خصوصی، استاد گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران

مجید عارفعلی*

کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران

مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد آیت الله آملی

وکیل پایه یک دادگستری

چکیده:

هزینه دادرسی مدنی، از جمله پیوندهای مستحکم میان حقوق و اقتصاد و به عنوان یکی از شاخص‌های کنترل و سنجش کیفیت و کارآمدی نظام عدالت آیینی است. لذا اخذ آن همواره باید در چارچوبی نظام‌مند و با رعایت اصولی به عمل آید که عبارتند از: اصل تخصیص عقلایی، اصل انتقال‌پذیری، و اصل معقول و متعارف بودن. اصل تخصیص عقلایی، ناظر به نظام‌های تحمل هزینه دادرسی مدنی است. اصل انتقال‌پذیری نیز، قائل به سه نوع انتقال‌پذیری قانونی، قضایی و قراردادی است. اصل معقول و متعارف بودن هزینه‌های دادرسی مدنی را باید حد تعادل میان دو اعتقاد «رایگان» یا «هزینه‌بر بودن» دادرسی دانست تا در عین ممانعت از طرح دعاوی واهی و بی‌بنیان یا ایدایی، اسباب تحقق اصل دسترسی آسان و ارزان به خدمت عمومی دادرسی را فراهم نموده و مانع جدی حقگزاری به شمار نرود.

کلمات کلیدی: انتقال‌پذیری، تخصیص عقلایی، دادرسی، معقول و متعارف بودن، هزینه دادرسی